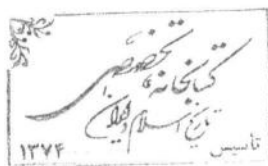


برنامه  
حزب توده ایران

آذر ماه ۱۳۵۴



# برنامه حزب توده ایران



آذر ماه ۱۳۵۴

از انتشارات هیئت اجراییه کمیته مرکزی حزب توده ایران

# بخش اول

## حزب نوده ایران - حزب طبقه کارگر ایران

حزب توده ایران ' حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران است .  
جهان بینی حزب توده ایران مارکسیسم-لنینیسم است و هدفهای دور و نزدیک و مشی سیاسی و سازمانی اش از انطباق خلاق این جهان بینی علمی و انقلابی بر شرایط ویژه جامعه ایران ناشی میشود .

در سالهای جنگ دوم جهانی و پس از آن ' جنبش رهایی بخش ملی و دمکراتیک مردم ایران نیروئی فراوان و دامنه ای وسیع یافت : حزب توده ایران در سال ۱۳۲۰ بمشابه ادامه دهنده راه حزب کمونیست ایران تشکیل گردید و بر رأس جنبش وسیع مردم ایران قرار گرفت ؛ در سالهای ۱۳۲۴ - ۱۳۲۵ جنبش ملی و دمکراتیک در آذربایجان و کردستان دامنه وسیعی یافت . در این مناطق احزاب دمکرات آذربایجان و کردستان بوجود آمدند و به مبارزه قهرمانانه ای برای مصالح خلق دست زدند .

در سال ۱۳۳۹ در ' کنفرانس وحدت ' مساعی کمیته های مرکزی حزب توده ایران و فرقه دمکرات آذربایجان در راه تأمین وحدت رهبری و سازمانی حزب طبقه کارگر و تدارک اسناد این وحدت ( برنامه و اساسنامه واحد ) به موافقت انجامید . کنفرانس موافقت کرد که حزب واحد طبقه کارگر در سراسر ایران بنام ' حزب توده ایران ' اعلام گردد و کمیته مرکزی این حزب ' مرکز واحد رهبری کلیه سازمانهای حزب طبقه کارگر در ایران باشد و سازمان واحد طبقه کارگر در آذربایجان با حفظ نام ' فرقه دمکرات آذربایجان ' دارای کمیته مرکزی خود ' با حقوق کمیته ایالتی باشد .

حزب توده ایران در تاریخ پر فراز و نشیب خود از مراحل گوناگونی گذشته و طی مبارزات خود در عرصه های مختلف اجتماعی و سیاسی ' سازمانی و ایدئولوژیک تجارب فراوانی کسب کرده است . حزب توده ایران منشاء خدمات بزرگی در ترویج مارکسیسم - لنینیسم و برای بیدار و متشکل ساختن مردم ایران و سوق آنان بسوی مبارزه علیه امپریالیسم ' استعمار

و استعمار نو و ارتجاع ، در راه استقلال و دموکراسی است .  
حزب توده ایران از آنجهت که حزب طبقه کارگر ایران است مدافع پیگیر منافع این طبقه و دیگر طبقات و قشر های زحمتکش جامعه ایران است و برای بر انداختن هر گونه بهره کشی انسان از انسان مبارزه میکند و خواستار استقرار سوسیالیسم ، یعنی آنچنان نظام اجتماعی و اقتصادی است که توده های زحمتکش کشور ما را از بند های اسارت آور رهایی بخشد و راه رشد سریع و همه جانبه نیروهای مولده را بگشاید و ترقی بی وقفه سطح زندگی مادی و معنوی جامعه را تأمین نماید . تجربه دهها سال درستی اصول و اثر بخشی شگرف این نظام را در کشورهای سوسیالیستی جهان عملاً بثبوت رسانده است .  
حزب توده ایران سازمان پیگیرترین میهن پرستان ایران است . محتوی میهن پرستی حزب ما خواست سعادت مردم و علاقه پر شور به فرهنگ انسان دوستانه و سر نوشت حال و آینده خلقهای ایران است . حزب مامدافع پیگیر و سرسخت منافع واقعی ملی مردم ایران است و دفاع از تمامیت ارضی و استقلال سیاسی و اقتصادی و حاکمیت ملی کشور را وظیفه خویش میسهرد .

حزب توده ایران بنا بر ماهیت طبقاتی و جهان بینی و خصلت میهن پرستانه خود به انترناسیونالیسم پرولتری معتقد است و آنرا شرط حیاتی پیروزی جنبش انقلابی میسهرد . میهن پرستی و انترناسیونالیسم حزب ما با یکدیگر پیوند نا گسستی دارند .  
حزب ما عضو وفا دار خانواده بزرگ جنبش جهانی کمونیستی و یکی از گردانهای این جنبش است و در تنظیم مشی مشترک این جنبش شرکت میکند و این مشی را رهنمون عمل خود قرار میدهد و در راه وحدت جنبش جهانی کارگری و کمونیستی ، بخاطر روش اصولی مارکسیستی - لنینیستی و انترناسیولیستی ، بدون انحراف بسوی « چپ » یا راست ، علیه دکماتیسم و روزیونیسم ، علیه سیاست تفرقه جوئی و انشعابگری ، علیه تنگ نظری و تکروی ناسیونالیستی و شوینیستی خرجش انقلابی مبارزه میکند .

---

## بخش دوم

### مشخصات عمده وضع جهان و ایران

در دوران ماسرنوشت خلقهای جهان بیش از پیش با هم پیوند مییابد. تناسب قوانین نیروهای انقلابی و مترقی از سوئی و نیروهای ضد انقلابی و ارتجاعی از سوی دیگر، درجه قدرت سوسیالیسم و ضعف امپریالیسم، فراز و نشیب جنبشهای انقلابی و رهائی بخش، همه و همه در مسیر تکامل خلقها، شیوه عمل و کامیابی یا ناکامی جنبشها تأثیر ژرف دارد.

درست است که در آخرین تحلیل عامل داخلی یعنی مبارزه مردم و تناسب نیروهای مترقی و ارتجاعی در درون کشور، برای تعیین سرنوشت خلق دارای نقش تعیین کننده است، ولی عامل بین المللی یعنی تغییر تناسب قوا در صحنه جهانی بسود صلح، دمکراسی و سوسیالیسم، در سیر تکامل جنبشها و خاتمه بیش از پیش مؤثر میشود و پیوند این دو عامل بیش از پیش نیرو میگیرد.

لذا برای داشتن دیدی واقع بینانه از حوادث و استنتاج صحیح از آنها، برای تعیین مشی درست و عاری از انحراف، باید مشخصات وضع کشور را در پیوند با مجموعه وضع جهان امروز مورد بررسی قرار داد.

### الف - مشخصات عمده وضع جهان

در دوران ماجربیان پر توان انقلابی در سراسر جهان گسترش مییابد: سه نیروی انقلابی بزرگ عصر ما یعنی سیستم جهانی سوسیالیستی، طبقه کارگر بین المللی، جنبش رهائی بخش ملی در نبرد علیه امپریالیسم نیرومندتر و متحد تر میشوند.

تضاد اساسی دوران ما تضاد بین سوسیالیسم و امپریالیسم است که محور عمده مبارزه طبقاتی در عرصه جهانی است و در کلیه زمینه ها، اعم از اقتصادی، سیاسی، اجتماعی،

ایدئولوژیک و فرهنگی بروز میکند. در همه رویداد های دوران ما انعکاسی از این تضاد و این مبارزه دیده میشود.

مضمون اساسی دوران معاصر گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم است. تناسب نیروها بین سوسیالیسم و سرمایه داری در جریان مبارزه شدید این دو سیستم پیوسته بسوسوسیالیسم تغییر مینماید. سوسیالیسم و دیگر نیروهای انقلابی عصر کنونی، علیه امپریالیسم در حال پیشروی هستند و اکنون شاهراه تکامل بشریت را معین میکنند. هر قدر هم که نیروهای امپریالیستی و ارتجاعی اینجا و آنجا کامیابیهای موقت و موضعی کسب نمایند و در برابر پیشرفت ناگزیر سوسیالیسم دشواریهایی ایجاد کنند، توانائی آنها نخواهند داشت. که سیر تاریخ را به قهقرا باز گردانند. ابتکار تاریخ را سوسیالیسم در دست دارد.

سوسیالیسم به عامل قاطع و تعیین کننده دوران ما مبدل میشود و هم اکنون حل قطعی هیچ مسئله عمده بین المللی بدون شرکت این عامل اساسی عصر ما امکان پذیر نیست و تکیه به این نیرو شرط ضرور کامیابی خلقها در مبارزه بخاطر صلح، امنیت، استقلال، آزادی و ترقی است.

سیستم جهانی سوسیالیسم عظیم ترین دستاورد طبقه کارگر و جنبش انقلابی عصر ما است. این سیستم، علیرغم دشواریها و موانعی که از جانب امپریالیسم در سر راه تکامل آن پدید آمده و می آید، وظایف خود را در تکامل اقتصادی و مناسبات اجتماعی و گسترش رفاه و ارتقاء سطح علم و فرهنگ با کامیابی تمام اجرا میکند و بدینسان سیستم جهانی سوسیالیستی که نیروی عمده و قدرت قاطع در نبرد ضد امپریالیستی است، روز بروز محکمتر و شکوفاتر میشود و برای تحقق منافع حیاتی مردم جهان شرایط بسیار مساعدتری را فراهم میسازد.

اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی که شاملوده مادی، فنی و فرهنگی جامعه کمونیستی را میریزد و نیروی عمده اردوگاه سوسیالیستی است، قدرت و امکانات شگرف اقتصادی، سیاسی، نظامی، فنی و فرهنگی و مجموعه تجارب پر ارزش خود را بیلبریغ در خدمت پیشبرد امر سوسیالیسم و برای جلوگیری از جنگ جهانی و گسترش و پیروزی جنبش انقلابی و جنبش رهائی بخش خلقها، بکار می بندد. اتحاد شوروی بزرگترین و مقتدرترین تکیه گاه همه نیروهای انقلابی و مترقی جهان است و حزب کمونیست اتحاد شوروی نیروی عمده و پیشتاز در روند انقلاب جهانی است. از این جهت چگونگی مناسبات با اتحاد شوروی مسئله مرکزی در مجموع مناسبات نسبت به سر نوشت تاریخی سوسیالیسم و جنبش انقلابی جهانی و یکی از عناصر مهم و اساسی انترناسیونالیسم پروлетری و نمودار صداقت و قاطعیت در جنبش های رهائی بخش ضد امپریالیستی و بیگمیری در امر هوا داری از صلح جهانی است.

بحران عمومی سرمایه داری در دهه ۴۰میه، های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و ایدئولوژیک عمیقتر میشود. تضادهای درونی امپریالیسم از آنجمله تضاد بین انحصار های پات کشور امپریالیستی و تضاد بین کشور های مختلف امپریالیستی بیش از پیش حدت مینماید. سیستم سرمایه داری



با دشواریهای متعدد اقتصادی و مالی رو برو است مانند: ناموزونی آهنگ رشد تورم مزمن و بالا رفتن هزینه زندگی، بیکاری، رکود اقتصادی، بحران انرژی و مواد خام و آلودگی محیط زیست و غیره. همه این عوامل موجب تشدید بازمی‌نبرد مبارزه طبقاتی، گسترش جنبش اعتصابی، بحران ایدئولوژی بورژوازی و تزلزل ارکان اجتماعی این نظام ستمگر است. بدینسان سرمایه داری بعنوان سیستم جهانی نسبت به گذشته ناتوان شده و میشود. کوششها و تدابیر اقتصادی و اجتماعی سرمایه داری انحصاری دولتی قادر به حل تضادهای سرشتی سرمایه داری و رهایی سیستم سرمایه داری از زوال نهائی نیست. با آنکه امپریالیسم بعنوان سیستم جهانی ضعیفتر شده ولی کماکان دشمنی استجدی و خطرناک.

امپریالیسم سیاسی نظامیگری و از آنجمله بویژه نظامی کردن اقتصاد را که با افزایش وخامت اوضاع بین المللی و خطر جنگ همراه است، یکی از چاره‌های بحران عمیق سیستم خویش می‌شمارد. خصلت تجاوز کارانه امپریالیسم تغییر نکرده است. محتوی سیاست تجاوز کارانه امپریالیستی آنست که با کلیه وسائل میکوشد مواضع سوسیالیسم را تضعیف نماید، جنبش‌های بخش خائفا و مبارزه زحمتکشان را در همه کشورهای سرمایه داری سرکوب کند و روند بی بازگشت زوال سرمایه داری را متوقف سازد. لبه تیز استراتژی تجاوز کارانه امپریالیستی مانند گذشته علیه کشورهای سوسیالیستی و پیش از همه اتحاد شوروی است.

امپریالیسم از بقایای استعمار دفاع میکند و میکوشد تا با شیوه‌های نو استعماری تحول اقتصادی و اجتماعی و سیاسی کشورهای در حال رشد را در محراب منافع غارتگرانه خویش سیر دهد. در شرایط کنونی امپریالیست‌ها میخواهند با استقرار اشکال متنوع پیوند‌های اقتصادی نیز استعماری بین کشورهای امپریالیستی و کشورهای در حال رشد، اراده خود را از راه‌های ظریفتر و مستورتری بر این کشورها تحمیل کنند و این کشورها را بش از پیش از جهت اقتصادی بخویش وابسته سازند و بر میزان غارتگری خود باز هم بیافزایند.

امپریالیسم میکوشد تا کشورهای در حال رشد را در چارچوب مناسبات سرمایه داری نگهدارد و سیر تکاملی آن کشورهایی را که راه رشد مترقی غیر سرمایه داری را در پیش گرفته‌اند، دچار مشکلات سازد. امپریالیسم (بویژه امپریالیسم ایالات متحده آمریکا) میکوشد در این کشورها رژیم‌های ضد دموکراتیک مستقر کند. یا حکومت‌های ارتجاعی موجود را تقویت و از آنها پشتیبانی نماید و جنبش‌های ملی و ترقیخواهانه را در این کشورها سرکوب سازد و برای نیل بدین منظور هر جا که ممکن باشد از هر گونه مداخله نهان یا آشکاری که میسر شمارد و استفاده از ژاندارم‌های محلی خود داری نمی‌ورزد.

امپریالیسم به کشورهای در حال رشد قرار داد‌های اقتصادی، پیمان‌های نظامی، سیاسی تحمیل میکند و میکوشد تا از طریق تصرف منابع عمده ثروت آنها امتیازات صنوبر سرمایه و کالا، بانزگانی نابرابر، بالا بردن بهای کالا‌های صادراتی خود و کوشش برای

یابن آوردن بهای مواد خام وارداتی، وامهالی اسارت آور و اشکال مختلف باصطلاح لمت و اعمال فشار از جانب سازمانهای مالی امپریالیستی و غیره این کشورها را مورد استثمار قرار دهد.

امپریالیسم در قبال تحکیم مواضع جهانی نظام سوسیالیستی و بسط جنبشهای انقلابی و رهائی بخش، سعی دارد تا وحدت سیستم جهانی سوسیالیستی، جنبش انقلابی کارگری و جنبش رهائی بخش را تضعیف نماید، از هرگونه اختلافی در جنبش انقلابی جهانی استفاده کند و بهرگونه تفرقه افکنی و فتنه انگیزی و دروغ متوسل شود، تا درصوف نهضتهای مترقی انشعاب و پراکندگی پدیدآورد. بویژه امپریالیسم سعی دارد با تحریکات ضد کمونیستی و برانگیختن تعصبات ملی و مذهبی و نژادی در کشورهای در حال رشد بین کمونیستها و دیگر نیروهای دمکراتیک و ملی این کشورها اختلاف و منازعه ایجاد نماید و جبهه واحد ضد امپریالیستی را تضعیف و متفرق سازد.

امپریالیسم و تمام نیروهای ارتجاعی برای حفظ مواضع خویش تلاش زیادی بکارمیرند. ولی تحت تأثیر تغییر تناسب نیروها و در زیر فشار بی‌امان تاریخ گاه به مانورهای دست میزنند و گاه اجباراً عقب نشینی هائی میکنند. این اجبار به عقب نشینی که تا چندی پیش تنها محافل بصیرتر سرمایه داری ضرورت آنرا درک میکردند، تدریجاً به محافل بیشتری سرایت میکند و بعلاوه اختلاف و مشاجره بین جناحهای سرمایه داری در این زمینه بیش از پیش تشدید میگردد. از سوئی امپریالیسم و ارتجاع دست به آنچنان اقداماتی میزنند که گرچه در چارچوب حفظ منافع اساسی سرمایه داری انجام میگردد، ولی عقب نشینی و لذا دارای محتوی است، از طرف دیگر این نیروها بمنظور اغفال مردم و به تعویق انداختن تحولاتی که در دستور روز تاریخ است، دست به برخی تغییرات ظاهری و سطحی میزنند که جنبه عوامفریبی و مانور دارد و فاقد مضمون است. نیروهای مترقی این دو نوع شیوه عمل را از هم تشخیص میدهند و در حالی که عقب نشینی هائی بیشتری را به امپریالیسم و ارتجاع تحمیل مینمایند، مانورهای بی محتوی را افشاء میکنند و نقاب سالوسی ها و عوامفریبی ها را میدرند.

با از میان رفتن ناگزیری تقدیر آمیز جنگها و ضرورت و امکان دفاع از صلح، با پیشرفت تدریجی روند وخامت زدائی که طی نبردی سرسخت و اصولی انجام میگردد، ارتجاعی ترین و متجاوزترین محافل در کشورهای سرمایه داری بیش از پیش منفرد میشوند و بتدریج مرحله نوینی در مناسبات بین المللی آغاز میگردد، بدین معنی که علیرغم مساعی این محافل برای حفظ محیط جنگ سرد و وخامت وضع بین المللی، در اثر مساعی پیگیرانه و مبتکرانه جامعه کشورهای سوسیالیسی و در سرجه اول اتحاد شوروی، امر عظیم و حیاتی صلح جهانی بیش از گذشته راه خویش را به پیش میگشاید و بتدریج، و علیرغم تلاشهای رنگارنگ تجاوزکارترین محافل امپریالیستی، فضائی نوینی در جهان پدید میشود.

این امر یکی از خدمات و دستاوردهای عظیم سوسیالیسم و سراسر جنبش مترقی جهانی است و نتایج مثبت فراوانی برای مجموع جنبش انقلابی جهان ببار میآورد.

شکست فاحش امپریالیسم امریکا ورژنه‌های دست نشانده‌اش در هندوچین و پیروزی درخشان و دوران‌ساز خلق ویتنام و تشکیل کنفرانس امنیت و همکاری اروپا در هلسینکی و مهار کردن سیاست توسعه و تجاوز امپریالیسم و صهیونیسم در خاورمیانه امکان واقعی خاتمه‌ها برای مقاومت در قبال سیاست امپریالیستی و طرد آن آشکار ساخت .

شاخص مرحله کنونی عبارت‌است از تغییر روزافزون تناسب نیروها در صحنه جهانی بسود صاحب، دمکراسی و سوسیالیسم و افزایش امکانات برای پیشرفت باز هم بیشتر نیروهای انقلابی و مترقی و تعرض دامنه دار صلح از جانب کشورهای سوسیالیستی و در مرکز آنها اتحاد شوروی بسود همزیستی مسالمت آمیز و بسط مناسبات دوستی و همکاری همه جانبه بین خاتمه‌ها. این جریان هم اکنون به موفقیتهای چشمگیری رسیده است . علیرغم وجود گرایشهای متضاد، جریان و خامت زدائی در مجموع سیر حوادث جهان امروز جریان فائق است . تمام نیروهای خواستار صلح میکوشند تا این جریان را برگشت ناپذیر سازند، بسط دهند و آنرا به پیروزیهای تازه به تازه ای ناآل گردانند . تردیدی نیست که برای تحقق بخشیدن به نتایج حاصله از و خامت زدائی سیاسی یعنی نیل به و خامت زدائی نظامی هنوز مبارزه سختی ضرور است ولی براساس کامیابیهای که بدست آمده ، میتوان در این زمینه دشوار نیز کامیاب شد .

تغییر روز افزون تناسب نیروها بسود سوسیالیسم که یکی از نتایج مهم آن عبارت است از فرو ریختن سیستم مستعمراتی شاخص مهم بحران عمومی سرمایه داری در مرحله نوین آن است و تأثیر شگرفی در سیر تاریخ معاصر و بویژه در کشورهای دارد که سابقاً قرقگاه امپریالیسم شمرده میشدند . در این کشورها امکانات عینی مبارزه با امپریالیسم و کسب و تحکیم استقلال سیاسی و اقتصادی بسی فزونی یافته و مبارزات طبقات و قشر های ضد امپریالیستی علیه امپریالیسم و حتی در مواردی اختلافات و تناقضات طبقات حاکمه هوادار امپریالیسم این کشورها با امپریالیسم حدت یافته و عمیقتر شده است . در جریان سالهای اخیر نقش جنبش ضد امپریالیستی خلقهای آسیا ، افریقا و امریکای لاتین در جریان انقلابی جهانی باز هم بیشتر شده است . در اکثر این کشورها گرایش به استقرار و بسط مناسبات با کشور های سوسیالیستی تقویت گردیده است و تحت تأثیر شرایط انقلابی دوران ما نقش نیروهای انقلابی و دمکراتیک افزایش یافته است . در برخی از این کشورها جنبش ضد امپریالیستی مضمونی ضد سرمایه داری کسب کرده و این کشورها براه رشد غیر سرمایه داری رو آورده اند ، راهی که در صورت تعقیب پی گیرانه میتواند محمل‌ها و شرایط لازم را برای انتقال به جاده تکامل سوسیالیستی فراهم آورد . این دولتها علیه امپریالیسم و نو استعمار مبارزه میکنند .

در منطقه خاور میانه علیرغم تشبثات و توطئه های گوناگون امپریالیستی و تلاش امپریالیستها برای حفظ مواضع و منافع غارتگرانه خویش ، تحولات مهمی در جهت پیشرفت جنبش ضد امپریالیستی دیده میشود .

سیاست نو استعماری امپریالیستی که طی دوران پس از دومین جنگ جهانی افزار غارتگری بیحد و حصر امپریالیسم از کشور های آسیا ، افریقا و امریکای لاتین

بوده و هست، دچار بحران شده و این کشورها نبرد دامنه داری را برای نیل به استقلال واقعی یعنی تحکیم استقلال سیاسی با استقلال اقتصادی آغاز کرده‌اند و با موفقیت پیش می‌برند. اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی به کشورهای از بند رسته و دیگر کشورهای در حال رشد از هر جهت کمک میکنند تا این کشورها به تأمین استقلال واقعی سیاسی و اقتصادی خویش نائل گردند و عملاً قدرت آنرا بیابند که از مدار نفوذ اسارت بزرگ امپریالیسم خارج شوند. از این جهت نقش اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی دمبدم فزون تر میشود و در سر نوشت کنونی و آتی این کشورها، تحکیم استقلال سیاسی و اقتصادی آنها و تحول اجتماعی آنها بیش از پیش تأثیر میکند.

فعالیت تخریبی گروه مائوتسه دون در درون جنبش جهانی کمونیستی و کارگری و جنبش های رهائی بخش ملی و علیه صلح و همزیستی و امنیت جمعی برخلاف مصالح حیاتی بشریت مترقی است. مائوتسیم با بمیان کشیدن تئوریهای دروغین و سفسطه آمیز بجای تحلیل طبقاتی مارکسیستی (مانند مبارزه کشورهای صنعتی و غیر صنعتی، فقیر و غنی و غیره) با انتساب رویزیونیسم به احزاب کمونیست و سوسیال امپریالیسم به اتحاد شوروی، نقش خائنانه و ننگینی را ایفا میکند. این مشی انحرافی ضد مارکسیستی و خرابکارانه هم اکنون زبانهای جلدی وارد ساخته و مانع شده است که از امکانات واقعی برای به تعبیر نشاندن امپریالیسم و ارتجاع بعد اعلی استفاده شود. مائوتسیم علناً به هواداری از جنگ سرد و وخامت انگیزی برخاسته و تقویت گروه بندیها و پیمانهای تجاوز کارانه امپریالیستی را توصیه میکند و رژیمهای ارتجاعی و ضد کمونیست از نوع رژیم های کنونی ایران و شیلی را بر ضد منافع خلقها تشویق مینماید و با جنبشها و دولتهای انقلابی ضد امپریالیستی راه خصومت آشکار در پیش میگیرد و اتحاد شوروی را دشمن شماره یک خود اعلام داشته و بدینسان وارد مرحله سازش خیانت آمیزی با دشمنان صلح، دمکراسی و سوسیالیسم شده است. جنبش جهانی کمونیستی با تمام قوا برای تحکیم وحدت و سمبستگی خود در مقیاس بین المللی مبارزه میکند و مطمئن است که سیاست شوینیستی و تفرقه جوینانه کنونی گروه مائوتسه دون سر انجام با شکست روبرو خواهد شد و انترناسیونالیسم پرولتری پیروز خواهد گردید.

در میان نیروهای انقلابی و مترقی در سراسر جهان این اعتقاد قوت مییابد که شرط اساسی پیروزی بر امپریالیسم و ارتجاع اتحاد سه نیروی اساسی انقلابی عصر ما در مقیاس جهانی و اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و ترقیخواه در مقیاس ملی است؛ و نیز این واقعیت روشن میگردد که هر روش برخلاف آن بطور عینی کمکی است به نیروهای امپریالیستی و ارتجاعی.

در سراسر جهان کمونیستها برای آزادی، استقلال ملی و آینده سوسیالیستی خلق خود مبارزه میکنند و زمزمه گان پیگیر جنبش رهائی بخش ملی هستند و نقش آنها در داخل این جنبش بیش از پیش افزایش مییابد. ضد کمونیسم افزار عمده ایدئولوژیک امپریالیسم و

استعمار نوین و ارتجاع و هدف آن بی اعتبار ساختن جهان بینی مارکسیستی - لنینیستی ' جامعه کشور های سوسیالیستی ' احزاب کمونیستی و کارگری هر کشور جدا گانه از راه تحریف ' سسطه و افتراء ' ایجاد تفرقه در میان نیرو های دمکراتیک ' سرکوب مبارزات مترقی مردم است تا استثمار و استعمار بلا مانع ادامه یابد و از تحول بنیادی و انقلابی جامعه جاو گیری بعمل آید . سیاست ضد کمونیستی گاه تحت عنوان آشکارا ارتجاعی و گاه تحت عنوان 'چپ' و 'ملوازه انقلابی' به صحنه می آید . نیروهای ملی و مترقی علیرغم تحریکات و تبلیغات شدید ضد کمونیستی محافل رنگارنگ سرمایه داری ' بیش از پیش پی میبرند که منافع جنبش رهائی بخش ملی همسکاری میان احزاب کمونیستی و سایر نیرو های میهن پرست و پیشرو را ایجاد میکند . ایجاد جبهه واحد همه نیرو های مترقی با شرکت کمونیستها بشرط ضرور مبارزه پیروز؛ مندانه علیه امپریالیسم و ارتجاع تبدیل شده است . این واقعیت بیش از پیش روشن میشود که خصومت نسبت به کمونیسم و اعمال فشار نسبت به کمونیستها به مبارزه رهائی بخش ملی و اجتماعی خلق لطمه گران وارد میسازد . روش ضد کمونیستی هنوز افزار مؤثری در دست امپریالیسم و ارتجاع است و نیرو های مترقی مبارزه جدی با آنرا یکی از وظایف خود میسرند . روش ضد کمونیستی در نظر توده های وسیع مردم بیش از پیش رسوا ' بی اعتبار و مطرود میگردد و بیش از پیش واقعیات متعدد نشان میدهد که ضد کمونیسم مقدمه سرکوب همه نیرو های میهن پرست و آزادیخواه و صلحدوست بسود منافع مفرضانه بهره کشان و امپریالیسم جهانی است .

## ب - مشخصات عمده وضع ایران

نکته مرکزی برای تحلیل وضع کنونی کشور ما عبارتست از درک محتوی واقعی و علل آن تغییراتی که در کشور ما روی داده و گذار جامعه ایران را از نظام نیمه فئودالی بسرمایه داری تسریع کرده است .

عال و عواملی که این تغییرات را موجب شده بقرار زیرین است :

۱ - بحران نظام جامعه ما در عرصه های مختلف اجتماعی ' اقتصادی و سیاسی و اینکه تقابل اجتماعی در کشور ما بتای نظامات ماقبل سرمایه داری را در روستای ایران بیش از پیش غیرممکن میساخت ؛

۲ - مبارزات وسیع و پیرومند توده های مردم میهن ما و در پیشاپیش آنها حزب توده ایران ' در راه تغییر نظامات ارتجاعی و ضد خلقی و سوق کشور در راه ترقی و عدالت اجتماعی . از آبان ماه است جنبش خلتهای آذربایجان و کردستان در سالهای ۱۳۲۴ - ۱۳۲۵ برای اصلاحات عمیق اجتماعی ' اقتصادی و تأمین آزادیهای ملی و دموکراتیک در کشور و اصلاحات ارضی بسود دهقانان و نیز جنبش وسیع مردم ایران برای ملی کردن صنایع نفت که در دوران پس از جنگ فصل تازه ای در مبارزات خلقها علیه انحصارهای نفتی گشوده است .

۳ - تأثیر تحولات روز افزون انقلابی در جهان امروز و از آنجمله تحولاتی که در منطقه خاور نزدیک و میانه روی داده است .

در اثر این عوامل و ترس از وقوع یک انفجار انقلابی در جامعه ایران، هیئت حاکمه، پس از سالیان دراز مقاومت عنودانه، وادار شد بقصد جلوگیری از انقلاب خلق و برای بسط پایگاه اجتماعی هیئت حاکمه از برخی مواضع گذشته خود عقب نشینی کند و به اتخاذ یکرشته تدابیر دست بزند .

تغییراتی که در اوضاع اقتصادی و اجتماعی کشور ما روی داده و میدهد در جهت تسریع روند گسترش مناسبات سرمایه داری در شهر و ده ایران است . در نتیجه این امر سیمای جامعه ایران بیش از پیش تغییر یافته و میباید . طبقات و قشر های کهنه سریعتر راه زوال را می پیمایند و طبقات و قشر های تازه بیش از پیش شکل میگیرند و در صحنه اجتماع فعال میشوند . ما اکنون در ایران با جریان سریع قشر بندیها و مرز بندی های طبقاتی روبرو هستیم . در روستای ایران جریان استقرار مناسبات سرمایه داری بجای مناسبات ارباب - رعیتی پیش میرود . نیروهای مولده نسبت به گذشته با سرعت بیشتری در حال گسترشند . ولی هیئت حاکمه میکوشد با استفاده از پراکندگی و ضعف جنبش، با استفاده از شیوه های دیکتاتوری، آن رفرمهائی را که بناچار بدان تن در داده است در مجرای تنگ منافع طبقاتی خود سیر دهد و آنرا بوسیله ای برای تثبیت وضع و تحکیم سیطره خویش مبدل سازد .

رشد سرمایه داری در کشور ما در وابستگی با سرمایه داری جهانی تحقق میپذیرد و رژیم این وابستگی را بسرعت تشدید میکنند و سیاست همپیوندی با سیستم جهانی، سرمایه داری امپریالیستی را تعقیب مینمایند .

رشد سرمایه داری در کشور ما در دورانی از تاریخ انجام میپذیرد که این نظام معایب سرشتی خود را بیش از پیش آشکار میسازد و راه زوال می پیماید . در دورانی انجام میگیرد که مضمون عمده آن گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم است . لذا این راه رشد جوابگویی نیازمندیهای جامعه ما نیست .

### اصلاحات ارضی

مهمترین اقدام هیئت حاکمه اجراء اصلاحات ارضی است . محتوی این اصلاحات عبارتست از ایجاد محمل ها و شرایط لازم برای بسط مناسبات سرمایه داری در روستای ایران . بجای مناسبات ارباب - رعیتی و در نتیجه ایجاد شرایط مساعد برای توسعه سرمایه داری در سراسر کشور و گسترش بازار داخلی .

در پایان اصلاحات ارضی بر اساس آمار های رسمی دو میلیون و نیم دهقان صاحب نسق از طریق پرداخت اقساط سنگین صاحب تمام نسق یا بدو عمده قسمتی از نسق خود شدند . ولی از آنجا که اصلاحات ارضی در شرایطی غیر دمکراتیک و بدون مداخله

دهقانان انجام گرفته، زمینهای وسیعی در ملکیت زمینداران بزرگ، شاه و خانواده سلطنتی باقی مانده است. مالکان بزرگ توانستند با استفاده از مقرهای متعدد «قانونی» و با توسل بزور، تقلب، بند و بست با مأموران دولتی و غیره بیش از نیمی از املاک را کماکان با حفظ اشکال معینی از مناسبات ارباب - رعیتی در تصرف خود نگاهدارند. علاوه برآنکه هزاران دهقان صاحب نسق زمین خور را از دست داده‌اند، بیش از یک میلیون خانوار دهقان بدون نسق از دریافت زمین محروم گردیده‌اند و بدینسان اکثریت دهقانان بی زمین و کم زمینند.

دولت با اقدامات گوناگون بسود مالکان مانند واگذاری سهام کارخانه‌های دولتی به آنان، پرداخت شش درصد سود به قبوض اصلاحات ارضی، واگذاری اراضی بایر و جنگلی به مالکان و پرداخت اعنبارت هنگفت به آنان، تعهد پرداخت میلیارد ها ریال بعنوان بدهی املاک خریداری مالکان، ایجاد تسهیلات عدیده و تغییر و تعدیل مکرر قوانین و آئین نامه‌های اجرائی اصلاحات ارضی، کوشیده است تا مالکان را حتی المقدور راضی نگاهدارد و آنان را بانظام سرمایه داری درآمیزد.

دولت با تمام قوا سیاست گسترش مناسبات سرمایه داری را در روستای ایران دنبال میکند و بطور عمده نیروی خرد را برای ایجاد واحد های بزرگ سرمایه داری در کشاورزی بکار انداخته است.

«شهرکتهای سهامی زراعی» بیش از پیش موجب تمرکز زمین در دست زمینداران، تشدید استثمار دهقانان و اجبار آنها بفروش زمینهای خود و پیوستن به خیل مزد بگیران، بیکاران و نیمه بیکاران شهر و ده میشوند.

دولت اراضی مرغوب زیرسدها را در اختیار سرمایه داران داخلی و خارجی قرار داده و با دادن امتیازات فراوان و حمایت همه جانبه از آنها میخواهد گسترش مناسبات سرمایه داری وابسته به امپریالیسم را در روستای ایران تسریع کند و بدینسان کشاورزی را نیز به عرصه غارتگری سرمایه های خارجی مبدل سازد.

سیاست ارضی و کشاورزی دولت که بر اساس سرمایه داری است قادر به حل ریشه ای مسئله ارضی بسود دهقانان نیست.

در جریان اصلاحات ارضی دهقانان ایران با مبارزات وسیع خود کوشیدند حتی المقدور آنها در مسیر خواست های خویش سیر دهند و به کامیابیهای نیز نائل آمدند. هم اکنون نیز دهقانان بی زمین و کم زمین و کارگران کشاورزی علیه سیاست ارضی و کشاورزی دولت و مشکلاتی که از بسط مناسبات سرمایه داری برای توده های دهقانی ناشی میشود مبارزه میکنند. ولی هیئت حاکمه با استفاده از رژیم ترور و اختناق این مبارزات دهقانی را با شدت سرکوب میکند و بانسگ حق طلبانه دهقانان را خاموش مینماید تا بتواند سیاست ارضی و کشاورزی خود را در مسیر سرمایه داری ادامه دهد. علیرغم تحولاتی که روی داده، حل بنیادی مسئله ارضی بسود دهقانان بی زمین و کم زمین و بسود تمام جامعه ما همچنان در دستور روز مبارزه باقی است. هم اکنون تضاد های نوینی در روستای ایران در کار رشد است و شرایط برای گسترش آتی مبارزات دهقانی نضج میابد.

## صنعتی کردن کشور

هیئت حاکمه در جهت صنعتی کردن کشور در چارچوب بسط مناسبات سرمایه داری دست با اقداماتی زده است. سیاست دولت بطور عمده، از جهت انتخاب رشته های صنایع و از آنجمله صنایع نظامی، از جهت تعیین مراکز رشد صنعتی، بر پایه تأمین هرچه بیشتر منافع و مقاصد ارتجاعی رژیم و همکاری با امپریالیسم مبتنی است.

دولت در مقابل خواست مردم و آمادگی اتحاد جماهیر شوروی و سایر کشور های سوسیالیستی برای کمک بایجاد صنایع سنگین در ایران بدون هیچگونه شرط و قید سیاسی، ناچار به عقب نشینی شد و اولین پایه های صنایع سنگین ایران بدست اتحاد شوروی در ایران بوجود آمد. ایجاد کارخانه ذوب آهن، ماشین سازی و تراکتور سازی به روش خرابکارانه امپریالیسم در این زمینه ضربت سنگینی وارد ساخته و آرزوی دیرینه مردم ایران را در مورد داشتن صنایع ذوب آهن ملی برآورده کرده است. اما رژیم از امکانات واقعی کشور های سوسیالیستی و آمادگی آنها برای کمکهای همه جانبه استفاده لازم را نمیکند و بعلا تعقیب سیاست همپیوندی (انتگراسیون) با امپریالیسم بویژه از راه شرکت مستقیم آنها در سرمایه گذاری صنعتی و ایجاد شرکت های مختلط، جذب سپاه انبوه کادر مدیریت و فنی و کارشناسان از امریکا و دیگر کشور های امپریالیستی، جریان صنعتی شدن کشور را در مسیر هدفهای نو استعماری و غارتگرانه امپریالیسم سوق میدهد.

با وجود افزایش فوق العاده درآمد نفت که امکانات کشور ما را برای سرمایه گذاری های بزرگ در جهت صنایع بسی توسعه داده، دولت وجوه هنگفت نفت را برای تسلیحات ر با بمنظور کمک به سرمایه داری بحران زده جهانی و نیز از راه حیف و میل و دزدی و برداشت بریاد میدهد و بدینسان امکانات سرمایه گذاری در رشته صنعت را بسی محدود میکند.

در صنایع ایران دو بخش خصوصی و دولتی وجود دارد. در مجموعه حیات اقتصادی ایران و در عرصه های مختلف آن (مانند صنایع، بانکداری، بازرگانی، بیمه، خدمات، کشاورزی و غیره) دولت نقش بزرگی در سابق ایفا نمیکرده که باز هم بسط و دامنه بیشتری یافته است. در مسئله نقش بخش دولتی و خصوصی میتوان دو گرایش تشخیص داد: یکی گرایش مردم ایران که خواستار تقویت همه جانبه بخش دولتی، گسترش این بخش و دموکراتیزه کردن آن و تأمین نظارت این بخش بر بخش خصوصی هستند و دیگری گرایش سرمایه داران بزرگ که خواستارند بخش دولتی نقش محدود و تبعی داشته و سیطره اساسی در دست بخش خصوصی باشد. دولت از دعای سیطره جویانه سرمایه داران بزرگ حمایت مینماید و سیاست خصوصی کردن بخش مهمی از مؤسسات دولتی و تقویت بخش خصوصی و قرار دادن بخش دولتی در خدمت بخش خصوصی را بانحاء مختلف تعقیب میکنند.



## سیاست خارجی

سیاست خارجی هیئت حاکمه از مراحل مختلف گذشته است: در مرحله نخستین هیئت حاکمه با دنباله‌روی از سیاست امپریالیستی جنگسرد، راه دشمنی آشکار با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی را دنبال کرده است.

در مرحله دوم تحت تأثیر تغییر تناسب نیروها در صحنه بین‌المللی بسود سوسیالیسم، تأثیر مثبت سیاست صلحدوستانه اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی، تأثیر مبارزات استقلال طلبانه توده‌های مردم ایران و در پیشاپیش آنها حزب توده ایران، پس از سالها مقاومت عنودانه، مجبور شد در راه عادی کردن روابط سیاسی، بسط مناسبات اقتصادی و همکاریهای فنی با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی گامهایی بردارد. علت دیگر که در این جریان مؤثر بوده است آنستکه بخش مهمی از بورژوازی ایران (که بویژه با تولید داخلی سروکار دارد) تحت فشار ضرورت‌های عینی رشد اقتصادی، در توسعه مناسبات اقتصادی با کشورهای سوسیالیستی ذینفع است؛ زیرا هم ایجاد پایه‌های اساسی صنعتی کردن کشور، تنها با کمک کشورهای سوسیالیستی می‌توانست بیک نقشه واقعی و قابل تحقق بدل شود (چنانکه در مورد ذوب آهن و ماشین‌سازی دیده میشود)، هم استفاده از منابع گرانبهای گاز عملی‌گردد و هم بازار مطمئنی، دور از رقابت و سودجویی کشورهای امپریالیستی، برای کالا‌های صنعتی و سنتی ایران فراهم گردد.

با اینکه امپریالیسم بایگانه‌های اقتصادی نیرومندی در کشور ما در اختیار دارد و سیاست دولت را بنحو بارزی تحت تأثیر قرار میدهد، ولی عملاً نتوانسته است مانع بهبود مناسبات اقتصادی و عادی کردن روابط سیاسی با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی گردد. در اینجا باید گفت که عادی کردن روابط با کشورهای سوسیالیستی به عادی کردن مناسبات اقتصادی و دولتی محدود بوده و بموازات آن سیاست ضد کمونیستی و ضد شوروی مانند گذشته اعمال میشده است.

در مرحله اخیر در سیاست خارجی هیئت حاکمه در جهت همکاری با سیاست مترجم‌ترین محافل امپریالیستی یعنی در جهت تشدید تشنج در محیط بین‌المللی و در منطقه چرخش مشهودی نسبت به مرحله پیشین دیده میشود: بقاء در پیمان نظامی سنتو و کوشش بر تقویت آن، حفظ قرارداد های نظامی امپریالیستی و از آنجمله قرار داد دو جانبه با آمریکا و دیگر قراردادهای منعقد شده با این امپریالیسم، برخورد خصمانه نسبت به جنبش‌های رهایی بخش خلق‌های عرب، داشتن روش سالوسانه در مسئله اسرائیل، کوشش برای اجراء نقش ژاندارم منطقه تحت عنوان حفظ امنیت و ثبات، در خلیج فارس، طرح دعای ماجراجویانه در مورد دریای عمان و اقیانوس هند، تحریرکات و مداخلات سیاسی در برخی کشورهای مجاور و مداخله نظامی برای حفظ رژیم‌های ارتجاعی و سرکوب جنبشها، نمودن‌هایی از این همکاری است. این سیاست عملاً در جهت خلاف مصالح مردم ایران، منطقه امنیت جمعی آسیا و صلح جهانی سیر میکند.

بسط و تحکیم مناسبات با کشورهای سوسیالیستی و بویژه با همسایه بزرگ ما اتحاد شوروی از لحاظ پیشرفت صنایع و ترقی اقتصادی و اجتماعی و تحکیم استقلال سیاسی و اقتصادی کشور در جهت منافع ملی ما حائز اهمیت بزرگی است و در اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران تأثیرات مثبتی بیار میآورد و امکانات مقابله با امپریالیسم را بیشتر میسازد و بهمین جهت مورد پشتیبانی مردم و نیروهای مترقی و مقدم بر همه حزب ما قرار گرفته است.

### نفوذ امپریالیسم در کشور ما

امپریالیسم در کشور ما دارای مواضع متعددی است که میکوشد آنها را حفظ نماید و بسط دهد.

امپریالیستها با در دست داشتن پایگاههای نیرومند اقتصادی، با نگهداشتن ایران در قید قرار داد های سیاسی و نظامی گوناگون، با داشتن تعداد کثیری مستشاران نظامی و غیر نظامی، با گسترش نفوذ فرهنگی و ایدئولوژیک خویش بکمک تسهیلات فراوانی که رژیم در این زمینه برایشان فراهم میآورد و با نگاه داشتن عمال متعدد خود در مواضع حساس و افزایش کادر های مدیریت و متخصص خود میکوشند کشور ما را تحت نظارت خویش نگاه دارند و اراده سودجویانه و اسارت آور خود را بر ما تحميل کنند. هیئت حاکمه ایران باین تحمیلات امپریالیستی تن در میدهد و برای آن میدان وسیعی باز میکند. این روش موجب وابستگی کشور ما به امپریالیسم و منشاء سیاست ضد ملی هیئت حاکمه است. یکی از مهمترین اهرمهای اعمال نفوذ امپریالیسم در کشور ما اهرم اقتصادی است. رژیم مواضع اقتصادی امپریالیستی را در کشور حفظ و سرمایه گذاری امپریالیستی را در کشور تشویق میکند و سعی دارد منافع سرمایه داری داخلی را با منافع انحصار های امپریالیستی باشکال مختلف بویژه از راه شرکت های مختلط تلفیق و هماهنگ نماید. مهمترین وسیله غارتگری و سیطره امپریالیسم در کشور ماتسلط بر صنایع نفت است. انحصار های نفتی امریکائی، انگلیسی، هلندی، فرانسوی علیرغم ادعای هیئت حاکمه که صنایع نفت را کاملاً ملی کرده است و با وجود تغییراتی که در اثر بندهایست خیانت آمیز شاه و هیئت حاکمه با کنسرسیوم در سال ۱۳۵۳ بعمل آمده (قرارداد باصطلاح فروش نفت)، منابع زرخیز ما را همچنان تحت اختیار دارند و سهم مهمی از ثروت ملی ما را بتاراج میبرند. علاوه بر آن هیئت حاکمه بسیاری از منابع دیگر نفتی کشور را رفته رفته مورد غارتگری انحصار های مهم امپریالیستی اعم از امریکائی، انگلیسی، آلمان فدرال، ژاپنی، فرانسوی، هلندی، ایتالیائی و غیره قرار میدهد. امپریالیسم درآمد نفتی ایران را بطرق مختلف و بویژه از راه تحميل سیاست تسلیحاتی وسیع بار دیگر به کیسه غارتگری خود باز میگردداند. هیئت حاکمه با وضع یکسلسله قوانین و مقررات، مزایای بسیاری به سرمایه غارتگر امپریالیستی تفویض کرده است. انحصار های امپریالیستی امکان یافته اند در زمینه های مختلف اقتصادی کشور در رشته تولید انرژی از جمله انرژی اتمی، در صنایع، معادن، کشاورزی، بازرگانی، بانکداری، خدمات، ساختمان و غیره رخنه کنند و مستقل یا توأم با سرمایه

داری دولتی و خصوصی در این عرصه ها مواضع مهمی را اشغال نمایند و گاه زیر نام و عنوان شرکتهای بظاهر ایرانی خود را پنهان سازند و با سرمایه های کسب سود های کلان بدست آورند و اصل و تفرع سرمایه های خود را بخارج منتقل سازند.

امپریالیسم از طریق مبادلات و معاملات نابرابر سود فراوان میبرد و منابع ارزی ما را غارت میکند و بادستیاری هیئت حاکمه عواید سرشار نفتی ما را از راههای گوناگون اعلام شده و نشده بار دیگر به کیسه غارتگری خود باز میگردداند. این بهره کشی فوق العاده ناچار از میزان انباشت ضرور در داخل کشور میگذرد و رشد نیروهای مولده کشور ما را محدود میسازد. بدین ترتیب کشور ما از جهت اقتصادی، مالی، فنی و تکنولوژیک به امپریالیسم جهانی وابستگی مییابد. البته، این نوع ارتباطات که بر اثر آن حقوق حقه مردم ایران پامال میشود و موجب وابستگی است، غیر از آن روابط و همکاری برابر حقوق همه جانبه ایست که در جهان امروز باید میان همه کشورها برقرار باشد. مردم ایران خواستار روابط برابر حقوقند و وابستگی را مردود می‌شمرند.

با اینکه انحصارهای مختلف جهان امپریالیستی باشکال مختلف در غارت منابع طبیعی و استثمار توده های زحمتکش کشور ما سهم دارند، نقش فائق در کشور با امپریالیسم آمریکا است و هم اوست که نفوذ نیرومندی را در کشور ما اعمال میکند.

امپریالیسم انگلیس که نقش مسدود خویشت را پس از دومین جنگ جهانی از دست داده، هنوز مواضع مهمی در اقتصاد کشور ما دارد نموده و میکوشد تا آن مواضع را در برابر رقیب امپریالیستی خویش حفظ کند و نسکیم بخشد.

امپریالیسم آلمان غربی و ژاپن و فرانسه و ایتالیا نیز بنوبه خود مواضع مهمی را در اقتصاد ایران بچنگ آورده اند و هر روز آنها گسترش میدهند.

امپریالیسم از طریق قرار داد های نظامی و اعزام کارشناسان نیز مواضع خود را در ایران مستقر کرده است. هم اکنون هزاران کارشناس امریکائی ارتش ایران را کنترل میکنند. هیئت حاکمه بدون توجه به نیازهای واقعی کشور از یک سینست ماجراجویانه نظامیگری پیروی مینماید و بخش بزرگی از بودجه کشور و میلیارد ها دلار از در آمد نفت را به جیب انحصارهای اسلحه فروش امپریالیستی سرازیر میسازد و صرف تأسیسات نظامی میکند.

### سیاست ضد دموکراتیک هیئت حاکمه

هیئت حاکمه رژیم ترور و اختناق را با عناد تمام دنبال و تشدید میکنند و از رشد و بسط فعالیت خلق وحشت دارد و از آن با خشونت جلوگیری مینماید. این واقعیات خصلت ارتجاعی ضد خلقی هیئت حاکمه را نشان میدهد و موجب افراد روزافزون رژیم در جامعه است.

قدرت دولتی در کشور ما عملاً بصورت سلطنت مطلقه و تمرکز قوای سه گانه در دست شاه اعمال میگردد. سیاست ضد دموکراتیک هیئت حاکمه بصورت حکومت پلیسی و تسلط

سازمان امنیت و اطلاعات کشور (ساواک) تبدیل ارتش به افزاری برای سرکوب جنبش خلق و اجراء تجاوزگری، سلب آزادی اجتماعات و احزاب ملی و دمکرات و ایجاد حزب واحد دولتی، تجاوز محاکم نظامی علیه حقوق و آزادی های اجتماعی و سیاسی و نقض دائمی قانونیت و تنظیم مقررات فاشیستی شکل گرفته و بدینسان حقوق و آزادی های دمکراتیک مصرح در قانون اساسی ایران و اعلامیه جهانی حقوق بشر آشکارا نقض شده است.

ترور پلیسی در کشور ما بطور عمده بوسیله «سازمان امنیت» (ساواک) اعمال میشود.

سازمان امنیت که یکی از ثمرات شوم کودتای ۲۸ مرداد است و در آن امپریالیسم و صهیونیسم نفوذ کامل دارند، با اختیارات وسیع و بر حسب وظیفه ای که بوی محول شده و با بکار بردن شیوه های فاشیستی، سرپای جامعه ما را بسود محافل ارتجاعی و امپریالیستی کنترل میکند، با هر جریان مترقی برخورد غیرانسانی دارد، سوء ظن و نا امنی را گسترش میدهد و با توسل به شکنجه، سر به نیست کردن و بکار بردن وسائل بربر منشانه دیگر هر کس را که در قبال بیدادگرهای رژیم کوچکترین واکنشی نشان دهد، سرکوب میسازد.

یکی از مهمترین اشکال تعرض ارتجاع داخلی و امپریالیسم علیه دمکراسی در کشور ما عبارت از ترور پلیسی تحت عنوان مبارزه با «مرام اشتراکی» و علیه حزب توده ایران است.

یکی دیگر از مظاهر سیاست ضد دمکراتیک هیئت حاکمه اعمال ستم ملی علیه خلقهای ساکن ایران است. ایران کشوری است کثیرالمله و رشته های مختلفی خلقهای ساکن ایران را بهم پیوند میدهد. این خلقهای طی قرنهای متمادی تاریخ با یکدیگر سرنوشت مشترکی داشته اند و در ابداع و ایجاد فرهنگ غنی و برآزنده ایران با هم همکاری کرده اند و در راه استقلال و آزادی متحداً و دوشا دوش هم فداکاریهای بیشمار نموده اند. مناقع اساسی خلقهای ایران در راه مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع با هم در میآمیزد، ولی در نتیجه وجود ستم ملی همه این خلقها از حقوق حقه خود برخوردار نیستند. ستم ملی مانع تأمین اتحاد عمیق بین خلقها و مانعی در راه ترقی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی همه جانبه کشور شده است.

## زندگی و مشکلات مردم

سیطره امپریالیسم و غارتگری طبقات حاکمه شرایط توانفرسائی برای زندگی مردم، بودیزه قشرهای زحمتکش جامعه پدید آورده است. کشوری که بسبب داشتن نیروی کافی کار، منابع طبیعی سرشار و قدرت مالی فراوان قادر است معضلات خویش را، در صورت استقرار یک نظام خلقی، بسرعت و بر بنیاد صحیح حل کند، نه تنها کماکان با بسیاری از مشکلات کهنه روبروست، بلکه مشکلات تازه بنیاد نیز در آن پدیدار میگردد.

بسط مناسبات سرمایه داری بیش از پیش جامعه ایران را به دو قطب متضاد تقسیم کرده و میکند. از سوئی یک اقلیت ممتاز و از سوی دیگر یک اکثریت محروم یعنی از سوئی سرمایه داران و زمینداران بزرگ، قشر فوقانی بوروکراسی کشوری و لشکری و عناصر

وابسته بآنها در پناه رژیم بتراج ثروتهای ملی و استثمار زحمتکشان کشور ما برفع خویش مشغولند و از سوی دیگر قشرهای وسیع مردم زحمتکش: کارگران، دهقانان، پیشه‌وران، بخش مهمی از روشنفکران و کارمندان، که اکثریت تام اهالی کشور ما را تشکیل میدهند، بشدت مورد ستم و تراج قرار دارند. دره عمیقی این دو قطب را از هم جدا میکند و علیرغم مانورهای رژیم در باره فروش سهام و شرکت در سود کارخانه‌ها و دعای بلند گویان دولت در این زمینه، بیعدالتی در توزیع در آمد ملی افزایش مییابد. در آمد زحمتکشان ایران بخش ناچیزی از در آمد ملی است.

یکی از مهمترین مشکلات زندگی مردم گرانی کمرشکن و روز افزون است. سود جوئی و غارتگری سرمایه داران داخلی و خارجی، وابستگی اقتصاد و امور مالی کشور به نوسانات اقتصادی و مالی و ارزی کشورهای امپریالیستی، بورس‌بازی زمین و مسکن، انواع سفته‌بازیها و شعبده‌بازیها با قیمت، وجود واسطه‌های مختلف در مورد کالا های کشاورزی و غیره و نیز سیاست ضد دمکراتیک مالیاتی، مخارج کمرشکن تسلیحاتی، لشکر کشی، پلیسی، دستگاه اداری و تشریفاتی دربار و دولت از جمله علل اساسی گرانی کمرشکن هزینه زندگی است. علیرغم اقدامات عوامفریبانه رژیم، تا زمانی که این علل باقی است بلای گرانی چاره پذیر نیست.

یکی دیگر از مشکلات زندگی مردم مسئله بیکاری است. مهاجرت روستائین به شهر، افزایش جمعیت کشور، نداشتن برنامه جدی برای مبارزه با بیسوادی و بالا بردن سطح فرهنگ عمومی و تدارک کادرهای فنی و متخصص و سرانجام رشد ناموزون و راه ناسالم تکامل اقتصادی همه و همه معضل اشتغال را به اشکال مختلف در کشور تشدید کرده است و بدینسان بیکاری و نیمه‌بیکاری بلیه ایست که کارگران و دیگر قشرهای زحمتکش شهر و ده را تهدید میکند. علیرغم تبلیغات پر سر و صدا در باره رایگان شدن آموزش، نبودن آموزشگاه های عمومی و حرفه ای و مدارس عالی مجهز و کتب درسی و معلم بحد کافی، تقاضای جدی برنامه های آموزشی، تسلط فرهنگ نو استعماری همراه با گرانی مخارج تحصیل (که خود ناشی از اعمال سیاست طبقاتی در زمینه فرهنگ و آموزش است)، یکی دیگر از مشکلات جدی زندگی مردم است. برخلاف هیاهوی تبلیغاتی دولت در باره «سیاه دانش» و «مبارزه با بیسوادی»، مشکلات تکامل فرهنگی کماکان حاد و میزان بیسوادی فوق العاده بالاست و در این عصر انقلاب علمی و فنی یکی از علل بقاء عقب ماندگی کشور است و روند صنعتی کشور را با موانع جدی روبرو میسازد.

میلیونها تن از کودکان که بسن تحصیل رسیده اند از امکان تحصیل محرومند و دهها هزار تن از دیپلمه ها امکان ندارند تحصیل خود را در آموزشگاههای عالی ادامه دهند. عناد رژیم در جلوگیری از تحصیل بزبانهای مادری یکی از مظاهر ستم ملی و از مواضع رشد فرهنگی جامعه ماست.



علیرغم تبلیغات میان تھی در باره رایگان شدن بهداشت، گرانی بهای دارو و درمان و کمی تعداد بیمارستانها و درمانگاهها و پزشکان و تمرکز نسبی این پزشکان در شهرها، بویژه تهران، یکی دیگر از مشکلات زندگی عمومی است. رخنه سرمایه داری خصوصی در آموزش و فرهنگ و درمان، که دولت آنها را تشویق میکند، بر میزان غارتگری سرمایه داری در این عرصه ها نیز افزوده است.

کمیابی و نابابی خواربار، فقدان مسکن مجهز و بهداشتی برای توده های مردم در شهر و ده، گرانی کمرشکن اجاره بها و بهای مسکن، دشواریهای حمل و نقل شهری، مشکلات آب و برق رشته های دیگر از مشکلاتی است که اکثریت مردم از آن رنج میبرند.

به این مشکلات باید دشواری زندگی جوانان، نبودن امکان و وسائل کافی تحصیل کار، تفریح سالم و ورزش، فقدان افق روشن برای کار و زندگی، روا داشتن روشهای تبعیض آمیز، رواج انواع وسائل تخدیر و فساد در بخشی از جوانان شهر نشین را نیز افزود. هیئت حاکمه جنبش مترقی جوانان را بشدت سرکوب میکند و میکوشد آنها را با روح بندگی و اطاعت بار آورد.

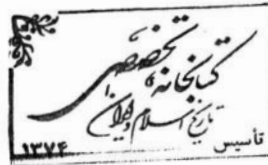
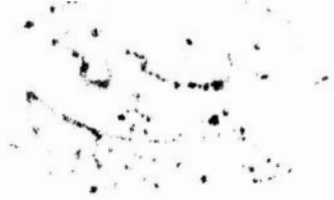
جور و ستم زاندارها و مأموران رنگارنگ دولت و زمینداران بزرگ و دیگر بهره کشان ده به توده های وسیع دهقانی به اشکال مختلف ادامه دارد. اکثریت دهقانان کماکان در فقر و عقب ماندگی و انواع محرومیت ها بسر میبرند.

علیرغم دعوی رژیم در زمینه خاتمه دادن به اسارت و محرومیت زنان، محرومیت های عمده اجتماعی و خانوادگی زنان و مادران ایرانی کماکان باقی است و تغییرات محسوسی در وضع قشر های وسیع زنان زحمتکش شهر و ده حاصل نشده است. نا برابری حقوق زنان با مردان از بسیاری جهات از جمله نابرابری دستمزد در برابر کار مساوی با مردان همچنان باقی است.

### تحول در آرایش طبقاتی جامعه و موضع طبقات و قشرها در جنبش

در ترکیب طبقات حاکمه و ترکیب طبقاتی خلق در اثر رشد سرمایه داری دگرسانی هائی پدید آمده است. هیئت حاکمه در گذشته بطور عمده ملاکان و سرمایه داران کمپرادور بوده اند. اکنون در نتیجه تحولاتی که رخ داده هیئت حاکمه بطور عمده از سرمایه داران بزرگ اعم از صنعتی، مالی، بازرگانی، بوروکراتیک و زمینداران بزرگ ترکیب شده اند. این قشرهای طبقه سرمایه دار بطور عمده نزدیکترین همکاران امپریالیسم در کشور ما هستند. شاه و اعضاء خاندان سلطنتی بعنوان بزرگترین سرمایه داران و زمینداران بر رأس این طبقات قرار دارند.

طبقه کارگر ایران در نتیجه رشد سرمایه داری در شهر و ده ایران بسرعت از جهت کمی و کیفی رشد مییابد. پرولتاریای صنعتی، بشکل قابل توجهی در حال فزونی است.



نمرکز کارگران در کشور قابل ملاحظه است. طبقه کارگر به عامل مؤثرتر و مهمتری در حیات اقتصادی و اجتماعی کشور مبدل شده است و با پیشرفت سریع مناسبات سرمایه داری و صنعتی شدن کشور این طبقه نقش پیوسته مؤثرتر و مهمتری در حیات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ایران ایفاء خواهد نمود.

طبقه کارگر بیش از هر طبقه و قشر زحمتکش دیگر جامعه مستقیماً تحت فشار و استثمار سرمایه داخلی و خارجی قرار دادولذا مهمترین و اساسی‌ترین نیروی انقلابی کشور ماست. تمرکز طبقه کارگر در واحد های تولیدی امکانات وسیعی برای اتحاد و تشکل آن فراهم میکند. موقعیت اجتماعی کارگران موجب میشود که آنان زودتر و بیشتر از سایر طبقات و قشر های زحمتکش جامعه به سطح بالاتر آگاهی سیاسی نائل گردند. سنن طولانی مبارزات سیاسی و سندیکائی طبقه کارگر ایران در این امر تاثیر ویژه ای دارد. طبقه کارگر استوارترین نیروی ترقی خواه جامعه ما، پیگیرترین و قاطعترین مبارز ضد امپریالیسم و در راه استقلال و دمکراسی در کشور ماست و بنا بر این چه در مبارزه استقلال طلبانه مردم کشور ما و تأمین آزادیهای دمکراتیک و چه در رهبری تحولات بنیادی حیات اجتماعی ایران آینده مهمترین نقش بعهده اوست.

در اثر اصلاحات ارضی تغییرات محسوس، در قشر بندی دهقانان بوجود آمده است. محتوی این قشر بندی عبارتست از بسط بورژوازی ده و افزایش تعداد زمین داران کوچک و متوسط و کارگران کشاورزی. تناسب جمعیت شهر و ده در حال تغییر یافتن است. در آینده همراه با رشد مناسبات سرمایه داری و رخنه تکنیک جدید کشاورزی قشر بندی در روستا با شدت بیشتری ادامه خواهد یافت. این قشر بندی بطور عمده در جهت بسط بیشتر بورژوازی ده و محدود شدن و فقر روز افزون زمینداران کوچک و متوسط و افزایش کارگران کشاورزی انجام خواهد گرفت. میزان اشتغال در روستا کاهش بیشتر و بالنتیجه جریان مهاجرت از روستا بسوی شهر ادامه خواهد یافت. عوامل نامبرده که با استثمار شدید توده های روستائی همراه است و نیز بار سنگین اقساط زمین و قروض دیگر، فشار عوارض و مالیاتها و تجاوزات دستگاه دولتی بیش از پیش شرایط بسط دامنه بیکارجویی و ایستادگی دهقانان را در برابر طبقات حاکمه و مأموران دولتی فراهم میسازد.

دهقانان در اکثریت شکننده خود و بر پایه منافع اجتماعی خویش دارای تمایلات ضد امپریالیستی و دمکراتیک هستند و در میان آنان دهقانان زحمتکش نزدیکترین و عصبه تری متحدین طبقه کارگر در انجام تحول بنیادی در جامعه ایرانند.

بخش قابل توجهی از اهالی کشور ما بصورت چادر نشینی و عشیرتی زیست میکنند.

در تولید دامپروری سهم عمده با افراد عشایر است. در میان عشایر هنوز بازمانده های نظام پدر سالاری در کنار بازمانده های فئودالی باقی است. با رشد سرمایه داری بتدریج مناسبات کهن در میان عشایر از میان میرود و جریان تجزیه، قشر بندی در میان آنها گسترش بیشتری می یابد. اکثریت افراد عشایر را زحمتکشانش تشکیل میدهند که بوسیله خانها استثمار میشوند و بدینسان میتوانند متحدین پرتلاریا در مبارزات اجتماعی او باشند.

وضع پیشه وران و کسبه که در بخش عمده خود جزء قشر های متوسط جامعه اند نیز دستخوش تغییراتی شده و میشود . با آنکه خرده بورژوازی شهری ، کماکان در صحنه تولید و توزیع کالائی و خدمات سهم مهمی دارد ، ولی با تسلط سرمایه داری بطور اعم و سرمایه های بزرگ داخلی و خارجی بطور اخص و رقابت شدید آنها با پیشه وران ، رفته رفته میدان فعالیت آنان تنگتر میگردد و گروههایی از آنان تدریجاً ورشکست میشوند و یا برای حفظ خویش پیشه خود را با شرایط نوین اقتصادی دمساز میکنند و در مواردی به زائده صنایع بزرگ و متوسط تبدیل میگرددند .

پیشه وران در مجموع خود ، در زیر فشار سرمایه داران داخلی و خارجی و دستگاه اداری کشور قرار دارند ، بخشی از آنان ورشکست میشوند و مجبورند نیروی کار خویش را در معرض فروش قرار دهند ، یعنی به سپاه پرولتاریا بپیوندند . این وضع اکثریت پیشه وران و کسبه را بمبارزات دمکراتیک سوق میدهد و بمقابله با امپریالیسم وا میدارد . بخشی از کسبه و پیشه وران (مانند دوره گردان ، دستفروشان و غیره) از لحاظ اجتماعی در وضعی پائین تر از طبقات متوسط قرار دارند .

طبقه سرمایه دار (بورژوازی) نیز از لحاظ قشر بندی دستخوش تغییرات کمی و کیفی مهمی است . این تغییرات اولاً معلول بسط مناسبات سرمایه داری در شهر و روستای کشور ، ثانیاً نتیجه این واقعیت است که امپریالیسم در کشورهای جهان سوم ، راه رشد سرمایه داری را از هر برر تشویق میکند و میکوشد بکمک شیوه های اقتصادی ، سیاسی و اجتماعی نو استعماری با بورژوازی محلی هم پیوندی و در آمیختگی یابد و نوعی کمپرادور جدید در مقیاس وسیع نه فقط در عرصه بازرگانی ، بلکه در عرصه های تولید صنعتی ، بانکداری ، خدمات و تولید کشاورزی بوجود آورد .

عوامل یاد شده به بسط سریع سرمایه داری صنعتی و بانکی و پیدایش گرایشهای انحصاری و در آمیختن سرمایه صنعتی با سرمایه بانکی ، یعنی پیدایش سرمایه مالی در ایران منجر شده است .

یکی از قشر های بورژوازی ایران که بسرعت رشد میکند بورژوازی بوروکراتیک است ، یعنی آن قشری از کارمندان عالیرتبه دولتی که با استفاده از اهرمهای نفوذ و قدرت دولتی و نیز از طریق برداشت و اختلاس اموال دولتی و گرفتن حق العملی کلان در خرید های دولتی و تسلط بر مؤسسات دولتی و بدست آوردن انواع امتیازات ، قانونی ، و غیر قانونی ، عواید هنگفت کسب میکنند و روز بروز بر حجم سرمایه های بزرگ خود میافزایند . بویژه اعضاء خاندان سلطنتی ، علاوه بر شیوه های دیگر بهره کشی ، از این طریق نیز ثروتهای فراوانی بچنگ میآورند .

قشر های متوسط و کوچک بورژوازی ایران بسبب ضعف بنیه مالی تحت تسلط سرمایه داران بزرگ قرار دارند و در عین حال موجودیت آنها بعلت رقابت کالا های وارداتی دائماً در معرض خطر قرار میگردد . قشر های متوسط و کوچک بورژوازی بخش عمده بورژوازی



ملی را تشکیل می‌دهند، گروه‌هایی از سرمایه‌داران بزرگ که به تولید داخلی وابستگی دارند هم می‌توانند جزو بورژوازی ملی محسوب شوند. اقدامات رژیم نیز بنوبه خود شرایط فعالیت این قشر را دشوار تر می‌سازد، زیرا امتیازاتی که دولت در زمینه مالیات‌ها، نحوه استهلاک، معافیت‌های گمرکی و بخشودگی در سود بازرگانی بوجود آورده، بطور عمده شامل سرمایه‌های امپریالیستی، سرمایه‌داران بزرگ و آن بخش از سرمایه‌داری میشود که از جهت اقتصادی به امپریالیسم وابستگی دارند. این علل بخش بزرگی از بورژوازی متوسط و کوچک را که خصلت ملی دارد، بموضع مخالفت با انحصارهای امپریالیستی، سرمایه‌داران بزرگ داخلی و رژیم میکشانند.

بورژوازی ایران در مجموع خود از جهت موضعگیری سیاسی و اجتماعی همگون نیست. بورژوازی، بویژه بورژوازی بزرگ، از سوئی بطور عمده با سرمایه‌داری امپریالیستی در راه تفویض بیش از پیش پیوندهای اقتصادی همکاری میکند، از جهت دشمنی با نهضت انقلابی و رهایی بخش، مبارزه با ایدئولوژی انقلابی مارکسیستی - لنینیستی، مبارزه با سوسیالیسم و دفاع از مناسبات سرمایه‌داری در مقیاس کشور و جهان با سرمایه‌داری امپریالیستی منافع مشترک دارد و برای تکیه به امپریالیسم و همکاری با وی آماده و راغب بوده و هست. از سوی دیگر قشرهای مختلف بورژوازی ایران با شدت و ضعف متفاوت بر سر تصرف بازار داخلی، بر سر مواضع با صرفه تر بسود خویش، بر سر بسط فعالیت و دامنه عمل سیاسی خود با سرمایه‌داری امپریالیستی و عمال آن گاه وارد تضاد میشوند. این تضاد متناسب با تحول بنیه اقتصادی بورژوازی ایران، متناسب با تحولات وضع جهان و ایران میتواند با قوت و یا ضعف متفاوتی بروز کند. روشن است که چون بورژوازی ایران در مناسبات خود با امپریالیسم مایل است اختلافات را از طریق سازش حل کند، لذا از خود قاطعیت و پیگیری لازم را نشان نمیدهد.

در نتیجه اصلاحات ارضی در طبقه مالکان نیز تغییرات جدی بوجود آمده است: آن گروه از عمده مالکان سابق که بخش بزرگی از املاک خود را حفظ کرده اند و گاه اراضی جدیدی نیز بدست آورده اند و همچنین سرمایه‌داران بزرگی که بویژه به اراضی مرغوب بایر و زیر سد ها دست یافته اند، زمینداران بزرگ را تشکیل می‌دهند. بسیاری از مؤسسات بزرگ دامپروری نیز بهمین زمینداران بزرگ تعلق دارد. در مواردی سرمایه‌های آنان با سرمایه‌های امپریالیستی در آمیخته است.

مالکان متوسط و کوچک سابق زمین نیز راه ایجاد کشتزارها و مؤسسات دامپروری سرمایه‌داری را پیش گرفته اند و بدینسان از مالک نوع کهنه به زمیندار و دامپرور سرمایه‌دار بدل میشوند.

بهره‌کشی زمینداران در روستا بیش از پیش بشیوه سرمایه‌داری انجام میگردد، ولی هنوز بقایای جدی مناسبات ارباب - رعیتی باقی است.

تعداد روشنفکران ایران مانند دانشجویان، روشنفکران فنی،

روشنفکران فرهنگی، روشنفکران اداری، روشنفکران هنری و روشنفکران دارای مشاغل آزاد رو به افزایش است. این قشری است مختلط و دارای وابستگی‌های طبقاتی مختلف که پیوند اکثریت آنان تدریجاً با قشرهای زحمتکش جامعه بسط مییابد. اکثریت آنان از نفوذ امپریالیسم رنج میبرند و در معرض فشارهای گوناگون سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و تعدی و تجاوز رژیم قرار دارند و هوادار دیکراسی و استقلال واقعی کشورند. بهمین سبب قشرهای مهمی از روشنفکران بیش از پیش بضرورت یکسلسله اصلاحات عمیق اجتماعی، اقتصادی و سیاسی پی‌نمایند و در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع فعالانه شرکت میجویند. در این زمینه دانشجویان بویژه نقش فعالی دارند. نقش مثبت روشنفکران در جنبش آزادیبخش کشور ما بیش از پیش کسب اهمیت میکند. ضرورت‌های عینی مبارزه لزوم اتحاد نزدیک با طبقه کارگر و سایر زحمتکشان شهر و ده را برای آنان محسوس تر میسازد.

بخش مهمی از روشنفکران بمعنای کارکنان فکری در دستگاه‌های دولتی و مؤسسات خصوصی مشغول کارند و بدینسان جزء کارمندان اند. قشر کارمندان (اعم از دولتی یا شاغل در مؤسسات خصوصی، اعم از لشکری یا کشوری) قشر مختلطی است و با وابستگی‌های طبقاتی مختلف که در بخشهای گوناگون آن، نسبت بمسائل حاد جامعه ما برخورد‌های مختلف وجود دارد. ولی قسمت قابل توجهی از آنان (بویژه کارمندان متوسط و کوچک که در محرومیت بسر میبرند) به افکار ملی و دموکراتیک تمایل دارند.

تحولی که طی سالهای اخیر در این قشر دیده میشود عبارتست از: ۱ - افزایش روز افزون تعداد کارمندان، ۲ - پیدایش قشر تکنوکرات‌ها که بر رأس مؤسسات صنعتی و اقتصادی دولتی قرار دارند و روز بروز نفوذ بیشتری کسب میکنند و بیکی از تکیه‌گاه‌های رژیم مبدل میگردد، ۳ - گسترش امتیازات بخشی از کارمندان لشکری (کادرفسری) و کارمندان کشوری بمنظور تبدیل آنان به افزار مطیع اجراء سیاست دولت.

سیاست دولت برای جلب کادر افسران و درجه داران به جانب رژیم قادر نیست واقعیت را در مورد سیطره مستشاران امپریالیستی بر ارتش ایران و نیز آن روش ضد خلقی را که هیئت حاکمه بزبان کشورما میکوشد بر ارتش ایران تحمیل کند، مستور دارد. طبیعی است که این واقعیت در افسران و درجه داران میهن پرست و علاقمند به استقلال کشور و سعادت مردم، احساسات مخالفت نسبت به رژیم را برمیانگیزد و آنها را بر پایه سنن دیرینه انقلابی و دموکراتیک افسران و درجه داران میهن پرست ارتش ایران، بسوی مقاومت در قبال امپریالیسم و ارتجاع سوق میدهد.

بوروکراسی، حیف و میل اموال دولتی، رشوه و ارتشاء (علیرغم وجود کارمندان پاکدامن) که ماکان از صفات مشخصه دستگاه اداری کشور است. اقداماتی نظیر انقلاب اداری، چون فاقد پایه‌های لازم اجتماعی است، ناگزیر محکوم به شکست است.

\* \* \*

از تحلیل طبقات و موضع آنها در جامعه ایران و مشکلات زندگی مردم این نتیجه حاصل میشود که در میان توده های مردم نسبت به وضع موجود در عرصه های مختلف عدم رضایت جلی وجود دارد و علیرغم محیط اختناق این عدم رضایت بانحاء مختلف بروز میکند. این حقیقت دعوی هیئت حاکمه را دایر بر آنکه گویا از طریق «انقلاب سفید» به نیازمندیهای تکامل جامعه ایران در این مرحله تاریخی پاسخ های ضرور را داده است و میتواند با «انقلاب مستمر» ایران را طی مدتی کوتاه به جانب «تمدن بزرگ» سوق دهد، تکذیب میکند.

## بخش سوم

### برای تحول بنیادی جامعه ما

جامعه ایران بیک تحول بنیادی<sup>\*</sup> به انقلابی که عرصه های مختلف زندگی را در بر گیرد و آنرا در جهت منافع خلق دگرگون کند<sup>\*</sup> نیازمند است .  
این انقلاب در مرحله کنونی تاریخی رشد جامعه ما یک انقلاب ملی و دمکراتیک است که محتوی آن عبارت است از : کوتاه ساختن دست انحصار های امپریالیستی از منابع طبیعی و اقتصادی کشور و تأمین استقلال کامل اقتصادی و سیاسی ایران ؛ برچیدن بقایای نظامات ما قبل سرمایه داری و اتخاذ سمتگیری سوسیالیستی ؛ دمکراتیک کردن حیات سیاسی و فرهنگی کشور .

شرط ضرور تحول انقلابی ایران در مرحله کنونی واژگون کردن رژیم فرتوت ساطقتی<sup>\*</sup> شکستین دستگاه دولتی ارتجاعی و پایان دادن بحاکمیت سرمایه داران بزرگ و زمینداران بزرگ و انتقال قدرت حاکمه از دست این طبقات بدست طبقات و قشرهای ملی و دمکراتیک یعنی کارگران ، دهقانان ، خرده بورژوازی شهر (پیشه وران و کسبه) ، روشنفکران میهن پرست و مترقی و قشر های ملی بورژوازی<sup>\*</sup> یعنی استقرار جمهوری ملی و دمکراتیک است .  
شرط اساسی تأمین پیروزی انقلاب ملی و دمکراتیک ایجاد جبهه واحد کلیه نیروهای ملی و دمکراتیک است . اتحاد کارگران و دهقانان استخوان بندی چنین جبهه ای است . از آنجا که طبقه کارگر و حزب آن رکن اساسی جبهه واحد است وحدت طبقه کارگر مهم ترین شرط و مبرم ترین وظیفه در ایجاد یک اتحاد وسیع ملی و دمکراتیک و تشکیل جبهه واحد است . حزب توده ایران برای وحدت همه مبارزان طبقه کارگر و وحدت عمل با سایر نیروهای ملی و دمکراتیک با تمام قوا کوشیده و میکوشد و با توجه به بفرنجی ها و مشکلات عینی و ذهنی این امر<sup>\*</sup> بر آنست که باید با پیگیری<sup>\*</sup> ابتکار<sup>\*</sup> نرمش و حرکت گام بگام با هدف مهم که وثیفه پیروزی خلق است دست یافت .

انقلاب ملی و دمکراتیک تنها بوسیله مبارزه توده های مردم تحقق پذیر است و از آنجائی که این یا آن فرد معین<sup>\*</sup> این یا آن گروه و حزب سیاسی مشخص ناشی نمیشود .

انقلاب اجتماعی که عمل بزرگ آفریننده خلقها برای ایجاد تحول بنیادی در نظام اجتماعی است، ثمره خواست و اراده فرد یا گروه یا تنها سازمان پیشاهنگ نیست، بلکه برای تحقق آن وجود عامل مساعد عینی و عامل ذهنی ضرور است. در دوران ما از سویی با پیشرفت سیاست لئینی همزیستی مسالمت آمیز، افزایش اقتدار همه جانبه جامعه کشورهای سوسیالیستی و درپیشاپیش آنها اتحاد شوروی، ضعف روز افزون امپریالیسم، امکان صدور ضد انقلاب بیش از پیش محدود میگردد، و از سوی دیگر با بر ملا شدن معایب سرمایه داری، افشاء جنایات امپریالیسم و فاشیسم، بالا رفتن جاذبه سوسیالیسم، اندیشه تحول بنیادی در نظامات کشورهای سرمایه داری بیش از پیش در توده های وسیع مردم نفوذ مییابد و بدینسان شرایط عینی بمقیاس جهانی برای عمل انقلابی خلقها علیه رژیمهای ضد خلقی روز بروز مساعدتر میگردد. در این شرایط نقش عامل ذهنی یعنی تشکل، سیاست صحیح و عمل درست و پیگیری حزب طبقه کارگر که بتواند جسارت انقلابی را با واقع بینی و بصارت سیاسی درآمیزد اهمیت فوق العاده ای کسب میکنند.

انقلاب اجتماعی باقتضای اوضاع و احوال میتواند از راههای مسلحانه و غیر مسلحانه انجام گیرد و بصورت اشکال گوناگون درآید. چگونگی شکل عمل انقلابی برای تعرض قطعی بر دشمن زائیده اراده و تمایل پیشاهنگ جنبش نیست، بلکه به شرایط مشخص اجتماعی و سیاسی و از آنجمله به روش طبقات حاکمه در برابر جنبش انقلابی مردم بستگی دارد. لذا نمیتوان این شکل را تنها بر پایه تمایلات ذهنی یکبار برای همیشه و برای تمام دوران مشخص انقلابی از پیش معین ساخت. حزب توده ایران از هیچیک از اشکال مبارزه انقلابی رویگردان نیست و بر آنست که هر شکلی از عمل انقلابی که بتواند در شرایط مشخص مورد پشتیبانی توده ها قرار گیرد، بر ضد انقلاب ضربت جلدی وارد سازد و راه پیروزی خلق را باز کند، باید بکار رود و نیز بر آنست که مبارزات وسیع توده ای اعم از سیاسی، اقتصادی، ایدئولوژیک برای افشاء نیرو های ضد انقلابی و بمنظور اتحاد نیرو ها و بسیج وسیع مردم وظیفه دائمی پیشاهنگان انقلابی است.

سر نوشت نهائی انقلاب ملی و دمکراتیک و سمت تکامل تاریخی و درجه پیگیری آن با امر سرکردگی (هژمونی) انقلاب ارتباط تام دارد. تنها سرکردگی طبقه کارگر است که پیگیری انقلاب و تعمیق خصلت خلقی و شرایط اعتلاء آنرا بسوی سوسیالیسم تأمین خواهد کرد. لذا حزب ما وظیفه خود میدانند که با تمام قوا در راه تأمین سرکردگی طبقه کارگر در انقلاب ملی و دمکراتیک ایران مبارزه کنند.

تأمین سرکردگی طبقه کارگر تنها به اراده این طبقه و خواست حزب وی مربوط نیست. علاوه بر صحت رهبری حزب طبقه کارگر، تجربه خود توده ها نیز شرط است تا این سرکردگی تحقق یابد. لذا در عین حال که حزب ما برای تأمین سرکردگی طبقه کارگر در انقلاب ملی و دمکراتیک مبارزه میکند، آنرا شرط وحدت عمل و اتحاد خود با دیگر نیرو های ملی و دمکراتیک قرار نمیدهد. تأمین سرکردگی طبقه کارگر بمعنای نفی فعالیت

احزاب و طبقات دمکراتیک دیگر نیست .

حزب توده ایران راه رشد سرمایه داری را در دوران کنونی تاریخ برای ترقی واقعی و سالم جامعه ایران راه زیانبار میدانند ، زیرا این راه رشد استثمار سرمایه داری را جایگزین انواع کهنه استثمار میسازد .

بحران عمومی سرمایه داری در دوران ما پیوسته ژرفتر میشود و این نظام با دشواریهای روزافزون و گوناگون اجتماعی و اقتصادی دست بگریبان است و با معضلات و مسائل بفرنجی رو بروست و بهیچوجه قادر نیست این مسائل را حل کند . این راه که به جامعه ما تحمیل شده هم اکنون مصائب و فجایعی را که تاریخ سرمایه داری از آن انباشته است به همراه آورده است .

سرمایه داری قادر نخواهد بود واپس ماندگی و وابستگی کشور را چاره کند و موجبات بهروزی حقیقی توده های وسیع مردم را فراهم سازد . در دوران این نظام تضاد کار و سرمایه دمدم تشدید میشود و تضادهای آشتی ناپذیر اجتماعی با بقایای تضادهای دردناک گذشته پیوند مینماید . بعلاوه بویژه در دوران ما ، پیموختن راه رشد سرمایه داری در اقتصاد ، بناچار موجب تشدید جهات ضد دمکراتیک در سیاست است . چنین دور نمائی نمیتواند مورد قبول نیرو های ملی و دمکراتیک ایران قرار گیرد .

حزب توده ایران بر آنست که برانداختن استیلای امپریالیسم ، نیرو ها ، مؤسسات و موازین ارتجاعی مستلزم اتخاذ آنچه از راه رشدی است که بتواند ترقی سریع اقتصاد کشور را تأمین نماید و با استفاده از کلیه امکانات عصر ما بسرعت فاصله آنرا نسبت به کشورهای پیشرفته جهان از میان بر دارد .

بنا بر این راه رشدی که حزب ما برای جامعه ایران صحیح میدانند ، سمتگیری سوسیالیستی است که هنوز بمعنای استقرار سوسیالیسم نیست ، ولی محمل های لازم را برای گذار بسوی جامعه سوسیالیستی آماده میکند .

در عین حال حزب توده ایران از هر دولتی که از یک تحول مترقی ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی ناشی شده باشد بنوبه خود پشتیبانی خواهد کرد و در راه سوق آن بسوی سمتگیریهای سوسیالیستی خواهد کوشید .

# بخش چهارم

## برنامه حکومت ملی و دمکراتیک ایران

### ۱ - اصلاحات سیاسی

#### الف - تحول در سازمان دولتی

۱ - جمهوری ملی و دمکراتیک ایران به جبهه متحد نیروهای ملی و دمکراتیک جامعه یعنی: کارگران، دهقانان، خرده بورژوازی شهر (پیشه‌وران و کسبه) ، روشنفکران میهن‌پرست و مترقی و قشرهای ملی بورژوازی تکیه میکند و براساس اتحاد داوطلبانه کلیه خفتهای ایران بر مبنای برابری تشکیل میگردد .

۲ - سازمان دولتی و حاکمیت ملی در جمهوری ملی و دمکراتیک ایران عبارت است از:  
الف - مجلس نمایندگان مردم ایران عالیترین مقام قدرت دولتی در جمهوری ملی و دمکراتیک ایران است که در آن نمایندگان منتخب کلیه خفتهای ایران شرکت میکنند. قانونگذاری ، انتخاب هیئت دولت ، نظارت بر اعمال دولت و انتخاب رئیس جمهور کشور از وظایف مجلس است .

ب - مقامات حاکمه محلی عبارتند از انجمنهای استان ، شهرستان ، بخش و ده که برای شرکت توده های وسیع مردم در اداره امور کشور انتخاب میگرددند .

ج - باید در تقسیم بندی کنونی کشور برپایه ملیت سکنه مناطق مختلف کشور و بر اساس اصول دمکراتیک تجدیدنظر بعمل آید و در هر واحد ملی مجلس ملی برای اعمال حق خود مختاری تشکیل شود .

۳ - نمایندگان مجلس و کلیه مقامات حاکمه محلی از طرف مردم با رای عمومی ، مساوی ، مستقیم و مخفی انتخاب میشوند .

۴ - حکومت ملی و دمکراتیک استقلال قضائی را براساس اصول دمکراتیک و انتخاباتی

بودن قضات تأمین خواهد کرد .

۵ - میهن ما باید دارای نیروهای مسلح دمعی و دمیی دمکراتیک باشد . نیرو های مسلح کشور ما باید مجری اراده خلق باشند نه مجری اراده دشمنان وی . بدین منظور باید ارتش و نیروهای تأمین از کلیه عناصر ارتجاعی و عمال امپریالیسم تصفیه و در سازمان آنها تجدید نظر شود . باید افسران ' درجه داران و افراد نیرو های مسلح ایران از کلیه حقوق سیاسی و اجتماعی مانند دیگر هموطنان خود برخوردار شوند و امکان انجام وظایف خود را در ارتش ملی و دمکراتیک بنحو شایانی داشته باشند .

### ب - تحکیم حاکمیت ملی

- ۱ - دفاع از تمامیت ارضی ' تأمین و تحکیم استقلال سیاسی و اقتصادی کشور
- ۲ - الغای قرار داد های غیر متساوی اقتصادی ' سیاسی و نظامی علنی و یا سری که بوسیله امپریالیسم و رژیم های ارتجاعی بر کشور ما تحمیل شده .
- ۳ - خاتمه دادن به سلطه ' غارت و مداخلات انحصار ها و دولتهای امپریالیستی در کشور . پایان دادن به سیاست همپوندی با امپریالیسم در زمینه های اقتصادی ' مالی ' سیاسی ' نظامی ' ایدئولوژیک و غیره .
- ۴ - کوشش برای استقرار روابط دوستانه و همکاری برابر حقوق در کلیه شئون با کلیه کشور های جهان .
- ۵ - دفاع از صلح جهانی و اجرای اصول همزیستی مسالمت آمیز .
- ۶ - همبستگی با زحمتکشان کلیه کشور ها و جنبش های انقلابی ' رهایی بخش و ترقی .
- ۷ - استقرار روابط دوستی و همکاری صمیمانه با همسایه بزرگ ما اتحاد شوروی و دیگر کشور های سوسیالیستی بمثابة ضامن معتبر حفظ استقلال و آزادی میهن مادر قبال تحریکات و تجاوزات امپریالیسم و عمال آن و وسیله نیرومند ترقی مادی و معنوی کشور .

### ج - تأمین حقوق و آزادیهای دمکراتیک

- ۱ - الغای کلیه قوانین ' مقررات و منحل کردن سازمانهایی که با حقوق دمکراتیک و حاکمیت خلق منافات دارد . سازمان امنیت و اطلاعات کشور ( ساواک ) که عمده ترین وسیله سرکوب خلق از طرف ارتجاع و امپریالیسم است ' باید منحل گردد و عمال جنایتکار آن مجازات شوند .
- ۲ - تأمین آزادی عقیده ' دین ' بیان ' قلم ' مطبوعات ' اجتماعات ' احزاب ' تظاهرات ' سکونت ' مسافرت ' انتخاب شغل ' آزادی دفاع در محاکم و مصونیت های فردی از قبیل مصونیت شخصی و منزل .



- ۳ - تأمین حق انتخاب کردن برای کلیه افراد کشور که بسن ۱۸ سال رسیده‌اند و حق انتخاب شدن برای کلیه افرادی که بسن ۲۵ سال تمام رسیده‌اند ، صرفنظر از جنس نژاد ، مذهب ، عقیده ، ملیت ، سواد ، شغل و میزان ثروت در کلیه مقامات انتخابی .
- ۴ - شناسائی حق کامل تشکیل اتحادیه ها برای کلیه کارگران و زحمتکشان شهر و ده و دخالت دادن واقعی اتحادیه ها در کلیه اموری که مربوط به فعالیت تولیدی ، شرایط کار و زندگی زحمتکشان است .
- ۵ - تأمین حق اعتصاب برای کلیه زحمتکشان شهر و ده .
- ۶ - تأمین تسوی واقعی حقوق زن و مرد در جامعه و خانواده .

### د - حل مسئله ملی

- حکومت جمهوری ملی ودمکراتیک ایران طرفدار اتحاد خلقهای ایران برپنیاذموافقت داوطلبانه آنها است و معتقد است که برای ایجاد يك اتحاد واقعی ومعنوی بین خلقهای ایران بر اساس برابری و دوستی باید ستم ملی ریشه کن شود . بنا بر این این حکومت در مورد حل مسئله ملی اصول زیرین را پایه عمل خود قرار میدهد :
- الف - تأمین حق کامل خلقهای ساکن ایران در تعیین سرنوشت خویش .
  - ب - شناسائی حق اقلیت های ملی ساکن ایران در برخوردار شدن از کلیه حقوق ملی ، اجتماعی و فرهنگی خود .

## ۲ - تحول اقتصادی

- ۱ - تأمین تکامل سالم ، سریع و همه جانبه اقتصاد کشور بر پایه سمتگیری بسوی سوسیالیسم .
- ۲ - تمرکز رشته های کلیدی صنعت ، بانکداری ، بیمه و بازرگانی خارجی در دست دولت . قرار دادن بخش دولتی در خدمت خلق و تأمین رشد پیگیر آن در کلیه رشتههای اقتصاد .
- ۳ - ملی کردن مؤسسات متعلق و وابسته به انحصارها و دولتهای امپریالیستی ، ملی کردن بانکها ومؤسسات بیمه ، مصادره اموال خاندان پهلوی و سایر خائنین به خلق و میهن .
- ۴ - اجرای تمام و کمال قانون ملی کردن صنعت نفت در سراسر کشور ، کوتاه کردن دست انحصارهای امپریالیستی ازمنابع وصنایع نفتی ، جلوگیری از بهره برداری نابخردانه از این منابع گرانبها .
- ۵ - بکار بستن اصول برنامه ریزی ورهبری علمی در سازماندهی و اداره رشته های مختلف اقتصاد کشور .

۶ - صنعتی کردن کشور ، گسترش صنایع سنگین و سبك ، استفاده از آخرین دستاورد های انقلاب علمی و فنی دوران ما بر اساس امکانات و نیازمندیهای واقعی جامعه ما .  
۷ - استفاده بخردانه از ثروتهای طبیعی کشور ، بکار بستن منطقی ترین شکل استفاده از منابع نفت و گاز .

۸ - اجرای اصلاحات ارضی بنیادی از طریق مصادره زمینهای متعلق بزمین داران بزرگ و ملی کردن مؤسسات بزرگ کشاورزی و دامپروری ، دایر کردن زمینهای بایر وموات وهر گونه زمین قابل کشت بمنظور تأمین زمین کافی برای دهقانان بی زمین و کم زمین ، تضمین مالکیت دهقانی ، کمک همه جانبه به ایجاد شرکتهای تعاونی تولیدی دهقانی مجهز به تکنیک و شیوه علمی تولید ، تأمین و تسهیل اعتبارات دولتی برای دهقانان ، گسترش شرکتهای تعاونی فروش و مصرف بسود دهقانان ، گسترش تولید کشاورزی و تنظیم قیمت عادلانه برای محصولات کشاورزی ، بکار بردن کلیه وسائل وابتکارات لازم برای حل مسئله آب ، الفای وامها ، اقساط زمین و دیگر تحمیلاتی که توسط مالکان و دولت علیه دهقانان بعمل آمده .  
۹ - بسط همه جانبه بازرگانی داخلی و کمک مؤثر به ترقی آن بمنظور توسعه و تحکیم بازار داخلی .

۱۰ - استقرار بازرگانی خارجی بر اساس انحصار دولتی ، برابری وسود متقابل وتأمین و تحکیم استقلال کشور و رشد اقتصادی آن .

۱۱ - تجدید نظر در توزیع در آمد ملی بر مبنای اصول زیر :  
- تنظیم و تعدیل بودجه دولتی با توجه به اصل الویت های اقتصادی برای تأمین استقلال و ترقی کشور و خدمت به صلح ، حذف هزینه های نامتناسب و سنگین نظامی و تسلیحاتی و تعدیل هزینه های اداری .  
- افزایش سهم انباشت ، حذف کلیه مصارف زائد ، تخصیص اعتبارات لازم برای رشد سریع و همه جانبه اقتصاد و فرهنگ کشور .  
- اصلاح عمیق سیستم مالیاتی بسود زحمتکشان یدی و فکری شهر و ده .  
- بالا بردن سطح زندگی مردم و بویژه زحمتکشان از طریق افزایش سهم آنان از در آمد ملی در مصارف اجتماعی و خصوصی .

### ۳ - اصلاحات اجتماعی

#### کار ، دستمزد ، حقوق

۱ - تنظیم قانون کار بر بنیاد دمکراتیک .  
۲ - تأمین اشتغال بمعابه حق مسلم افراد کشور و از بین بردن بیکاری و نیمه بیکاری در سراسر کشور .

- ۳ - تأمین دستمزد و حقوق متناسب با کار و حوائج ضروری مادی و معنوی زحمتکشان یدی و فکری و خانواده های آنها با توجه به نوسانات هزینه زندگی (اشل متحرک) .
- ۴ - برقرار کردن مزد مساوی در قبال کار مساوی قطع نظر از جنسیت و سن و جلوگیری از کار کودکان .
- ۵ - تأمین حقوق بازنشستگی برای کلیه زحمتکشان .
- ۶ - پرداخت مدد معاش بکارگران و کارمندان معیل به نسبت افراد خانواده .
- ۷ - تقسیم صحیح کار در ادارات ، ترفیع بر اساس آزمودگی ، سوابق خدمت و کیفیت کار ، تجدید نظر در قوانین استخدامی بر بنیاد دموکراتیک .
- ۸ - تعیین حد اکثر ۴۵ ساعت کار در هفته در کلیه رشته های تولیدی و اداری و ۳۵ ساعت در هفته در مؤسساتی که وضع کار دشوار و یا زیان آور برای تندرستی و بهداشت کارگران است . تعیین یک و یا دو روز تعطیل هفتگی متناسب سنگینی و وضع کار با استفاده از دستمزد و حقوق .
- ۹ - تأمین دو تا سه هفته مرخصی در سال با استفاده از حقوق برای همه زحمتکشان و ۴ ماه مرخصی با دریافت حقوق برای زنان زحمتکش قبل و بعد از زایمان طبق مقررات معین .

### بیمه های اجتماعی و بهداری

- ۱۰ - تصویب و اجرای قوانین مترقی بیمه های اجتماعی بسود کلیه زحمتکشان و خانواده های آنها ، تأمین خدمت پزشکی مجانی و داروی رایگان برای زحمتکشان .
- ۱۱ - ایجاد شبکه وسیع درمانگاهها ، بیمارستانها و داروخانه های دولتی مجهز به وسائل مدرن و کارشناسان در همه نقاط کشور .
- ۱۲ - ایجاد شبکه وسیعی از آسایشگاهها ، زایشگاهها ، شیرخوارگاهها .
- ۱۳ - دائر نمودن مؤسسات مخصوص جهت نگهداری معلولان و سالخورده گان تنها و بدون خانواده تأسیس بنگاههای مخصوص برای جلوگیری از بیماریهای بومی و مسری .

### فرهنگ

- ۱۴ - رایگان ساختن آموزش و پرورش در کلیه مراحل آن (از ابتدائی تا عالی) در سراسر کشور ، اجرای آموزش ابتدائی همگانی و اجباری .
- ۱۵ - رفع کمبود شدید کودکان کستانها ، دبستانها و دبیرستانها ، ایجاد شبکه وسیع آموزشگاههای حرفه ای ، هنرستانها ، دانشکده ها و دانشگاهها در سراسر کشور ، توجه خاص به ترقی فرهنگ مناطقی که از طرف دولت ارتجاعی عقب مانده نگاهداشته شده اند .
- تأسیس مراکز ورزش و تفریحات سالم در شهرها و روستاها برای جوانان .
- ۱۶ - پرداخت کمک هزینه از طرف دولت بفرزندان کارگران و کشاورزان و سایر

- زحمتکشان، یدی و فکری کم درآمد در کلیه آموزشگاههای حرفه‌ای، هنرستانها و مدارس عالی.
- ۱۷ - ایجاد سیستم فرهنگی ملی برای خلقها و اقلیت های ملی و تأمین آموزش به زبان مادری در کلیه مراحل تحصیلی، تأمین اعتبار و وسائل لازم برای رشد و تکامل فرهنگ ملی خاتمه‌ی ایران .
- ۱۸ - ایجاد فرهنگستان علوم ایران و تشکیل شبکه وسیع مؤسسات پژوهشی علمی، فراهم نمودن شرایط لازم برای کار و رشد آنها و شرایط کار ثمربخش دانشمندان .
- ۱۹ - کمک مؤثر به توسعه و رشد مطبوعات و انتشارات دموکراتیک .
- ۲۰ - تأمین شرایط لازم برای رشد رشته های گوناگون آفرینش هنری، مؤسسات هنری و خلافت هنرمندان .
- ۲۱ - تأسیس کتابخانه‌ها و قراوت خانه های دولتی عمومی در سراسر کشور اعم از شهر و ده و تأمین استفاده رایگان از آنها .

### مسکن و نوسازی

- ۲۲ - احداث و تأمین مسکن بهداشتی و راحت و ارزان برای زحمتکشان شهر و ده با کمک دولت و نیز با کمک مؤسساتی که این زحمتکشان در آنها بکار مشغولند .
- ۲۳ - تقلیل اجاره بهای مسکن، مؤسسات و دکان ها .
- ۲۴ - تنظیم و اجرای برنامه نوسازی شهر ها و روستاهای ایران بمنظور تأمین رفاه و زندگی با فرهنگ همگانی .

### مبارزه با فساد

- ۲۵ - اتخاذ تدابیر سنجیده و مؤثر برای ریشه کن کردن يك سلسله معایب و بلایای اجتماعی مانند رشوه خواری، اختلاس، احتکار، ربا خواری، اعتیاد بمواد مخدر و الکل، فحشاء و انواع دیگر فساد اجتماعی .



حزب توده ایران برنامه خود را که بیانگر آرمانهای ملی و دموکراتیک طبقات، قشرها و عناصر مترقی جامعه و همه خلقهای ایران در مرحله کنونی تاریخی است، عرضه میدارد. نبرد در راه تحقق این برنامه وظیفه هرایرانی مین پرست است. حزب توده ایران، اعضای حزب، کلیه طبقات، قشرها و عناصر ملی و مترقی کشور و همه خلقهای ایران را فرا میخواند که در زیر درفش این برنامه که تنها راه تأمین آزادی و سعادت مردم ایران است، گرد آیند و مبارزه کنند.

